

هو الله - يا هاشم الثريد لكل حبيب مجيد نامه شما رسيد...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



۳۹

هو الله

يا هاشم الثريد لكل حبيب مجيد نامه شما رسيد مرقوم نموده بودي که عبدالبهاء نگاشته ايران بيمار و از طبيب بيزار و اين تشنه از دريای عذب فرات در کنار لهذا اين آواره را چاره جز سفر فرنگ نه آنچه مرقوم نمودی صحيح است ولی مراد من اين است که دولت و ملت ايران از عبدالبهاء در گريزند و اگر حاضر شوم در ستيزند و چون از اين موهبت ممنوعم لهذا به سفر فرنگ مجبورم والا نور حقيقت از افق ايران درخشايد نير آفاق در خطه مبارک که طالع گرديد و شاهد عشق در آن انجمن رخ برافروخت و آهنگ ملکوت ابي از آن خطه نورا بلند شد هزاران عاشقان آشفته شدند و دل به دلبر دادند و به قربانگاه عشق شتافتند و جان و سر فدا نمودند هر بلائی کشيدند هر مصيبتی ديدند و هر بليّه‌ای تحمل نمودند باوجود اين صابر بودند شاکر بودند راضی بودند البته ايران تفوق بر اقاليم ديگر دارد زيرا به اين موهبت تخصيص يافته اما اقاليم سائره استفاضه از کشور ايران نموده و اقتباس انوار از آن اقطار کرده مقصود عبدالبهاء اين نبوده که اهالی غرب استحقاق بيش از شرق دارند مقصودم اين بود که چون حرّيت افکار در ايران ناياب و ايران بيمار و اهل رتق و فتق از طبيب بيزار لهذا چاره جز آهنگ به فرنگ نه...



ORIGINAL



AUDIO